

نقدی بر کتاب درسی

جغرافیای استان قم

غلامرضا کلی زواره

بهشت کویر

قم به عنوان کانونی مقدس و نخستین مرکز تشیع در ایران به شمار می‌آید، مردمان آن در اواخر قرن اول هجری، یعنی زمانی که دیگر نقاط ایران بین پذیرفتن آیین اسلام و جانبداری عده‌ای از حامیان کیش زرتشتی و آیین ثنویت بشدت در حالت کشمکشهای درونی بودند، به ولایت اهل بیت گردن نهادند و تبعیت از خاندان عترت را شیوه زندگی معنوی و فرهنگی خویش قرار دادند.

قم، خانه علویان، آرامگاه سادات و مشهد و زیارتگاه امامزادگان بوده هست و در مسیر تاریخ پر فراز و نشیب خویش میزبان بسیار خوبی برای علویان و منسوبین به خاندان عصمت به شمار می‌رفته است. حضرت علی (ع) در کلام گهرباری از دینداران و عالمان قم به نیکی یاد کرده و برکات الهی را نثار خوبان این دیار نموده‌اند. (سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶).

بنابراین شهر قم با چنین مرکزیت و آوازه‌ای در جهان اسلام مطرح است و مردمانی که از دور و نزدیک نظاره گر چهره معنوی و بالتدگی فرهنگی و شکوفایی علمی آن هستند باید به شیوه‌ای اصولی، منطقی و متناسب با این نقش ارزنده در جریان ویژگیهای اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی آن قرار گیرند. از سوی دیگر بسیار ضروری جلوه می‌نماید که فرزندان این مرز و بوم ضمن آنکه با اصول و مبانی جغرافیا آشنا می‌شوند و در خصوص سیمای جغرافیایی و مناظر طبیعی و اجتماعی و اقتصادی جهان آگاهی‌هایی به دست می‌آورند، با محیط پیرامون خویش و فضایی که در آن نفس می‌کشند آشنا گردند.

این احساس از سال تحصیلی ۱۳۶۲-۱۳۶۴ گروه جغرافیای دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش را بر آن داشت تا بخشی از درس جغرافیای ایران سال دوم دبیرستانهای کشور به تدریس جغرافیای استان اختصاص یابد و مقرر شد تا دانش آموزان علاوه بر فراگیری مضامینی در



جغرافیای استان قم، سال دوم آموزش متوسطه عمومی، دبیران جغرافیای استان قم (تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۵).

مرقد مطهر حضرت معصومه (س) و حوزه علمیّه قم منحصر می‌داند و مجموعه مطالب در این خصوص به دو پاراگراف چند سطری از مجموعه کتاب خلاصه می‌شود.

لازم بود مطالبی در خصوص زمان ورود حضرت معصومه (س) به قم و سیر تاریخی بنای مرقد مطهر ایشان و نیز مشخصات معماری حرم و بناهای ضمیمه آن می‌آمد. همچنین امامزادگان متعددی در شهر قم و نواحی آن مدفون هستند که حتی به نام برخی از آنها اشاره نشده است.

گسترش قم در اعصار گذشته

در صفحه ۲۳ کتاب می‌خوانیم: «شهر قم در زمان صفویه توسعه و گسترش بسیاری یافت». اما واقعیت این است که در قرون سوم و چهارم هجری آنقدر این شهر توسعه یافته که ۵۲ آسیا در آن گردش می‌کرده و سی هزار محدث در آن بوده‌اند.

در قرون پنجم و ششم در دو ناحیه قم نماز جمعه برقرار بوده و در عصر تیموریان رونق قم به حدی رسید که بیست هزار خانه در آن وجود داشته است. کنتارینی و نیز می‌گوید در سال ۸۷۸ هـ. ق (دسامبر ۱۴۷۴ م) وارد قم شده و به دلیل کثرت جمعیت به زحمت توانسته خانه کوچکی برای خود و همراهان در اختیار گیرد. این در حالی است که ساکنان قم را در عصر صفوی پنجاه هزار نفر ذکر کرده و از جاری شدن سیلی در سال ۱۰۴۴ هـ. ق (زمان شاه صفی) سخن گفته‌اند که بر شهر آسیب فراوانی وارد نموده و نصف آن را ویران ساخته است.

در صفحه ۱۸ کتاب، قم به هنگام فتوحات مسلمین چنین وصف گردیده است: «در سال ۶۵ هجری، اعراب به شهر قم حمله کرده و این شهر را که زرتشتی نشین بوده است، تسخیر می‌کنند. اعراب در بیرون شهر ساکن می‌شوند و با گذشت زمان منطقه گسترش می‌یابد و هر فعلی قم به وجود می‌آید. تعداد دهات قم را ۳۶۵ ده نوشته‌اند که نشان‌دهنده جمعیت فراوان در منطقه قم می‌باشد، در دوره اسلامی نیز منطقه قم جزئی از ایالت جبال بوده است...»

در این مطالب، نویسنده گسترش قم را به زمان فتح این شهر نسبت می‌دهد که ناقص مطالب صفحه ۲۳ مبنی بر توسعه قم در عصر صفویه است و یا حداقل باید قلمرو این دو توسعه و زمینه و حیطه‌های آن مشخص می‌گردید. نکته دیگر اینکه مسلمین قم را فتح کردند و نه اعراب و جنگ با مردم قم انگیزه‌ای مذهبی داشت نه قومی و نیز این شهر پس از جنگ نهانوند و در حدود سال ۲۳ هجری توسط سپاهیان اسلام به فرماندهی ابوموسی عبدالله بن قیس اشعری گشوده شد. (فتوح البلدان، ص ۴۳۹).

خصوص ابعاد جغرافیایی و سیمای طبیعی ایران در هر استان، کتاب دیگری، خاص جغرافیای استان محل زندگی خویش بخوانند.

پس از آنکه منطقه قم به عنوان استانی مستقل در سال ۱۳۷۴ شناخته شد و ضرورت تألیف جغرافیای استان برای این ناحیه احساس گردید و با برنامه ریزی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش توسط گروه آموزشی جغرافیای استان قم، متشکل از دبیران با سابقه و مجرب و اهل نظر و زیر نظر کارشناسان گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی در مدتی کوتاه جغرافیای استان قم تألیف شد که از سال تحصیلی جاری (۱۳۷۶-۱۳۷۵) در سال دوم آموزش متوسطه عمومی تدریس می‌شود.

کتاب مورد اشاره در قطع بزرگ و مشتمل بر سه بخش طبیعی، انسانی و اقتصادی تدوین شده است. با عنایت به اینکه گروهی صاحب نظر و کارشناس اقدام به تدوین چنین اثری کرده‌اند انتظار می‌رفت که مضامین و مطالب آن از کاستیهای محتوایی و نگارشی مصون باشد، اما با تورتی اجمالی و بررسیهای لازم خلاف آن را ناظریم.

ناتوانی در معرفی چهره مذهبی و ارزشی قم

واقعیت این است که پس از گسترش تشیع در این شهر و اینکه به طور شگفت‌انگیزی مردمان آن با تمامی توان به دفاع و نشر آن پرداختند و به تبلیغ آن اهتمام ورزیدند و پذیرای مهاجرت آل ابوطالب و گروههایی از ذریه رسول خدا (ص) شدند، این شهر صورتی کاملاً مذهبی به خود گرفت.

در این ارتباط جملات کلی از این نمونه را می‌توان مشاهده کرد: «شهر قم نیز مانند بسیاری از شهرهای اسلامی با ویژگیهای مسجد جامع و بازار، محلات مسکونی درون شهر و برج و بارو و دروازه، بازارهای هفتگی و گورستانها در بیرون شهر دیده می‌شود». (ص ۲۲)

اولاً چنین ویژگی بر بسیاری از شهرهای ایران انطباق دارد و ثانیاً مسائل قرون گذشته را مطرح می‌کند. اما در صفحه ۲۵ دلایل اهمیت شهر قم را در ادوار مختلف تاریخی موقعیت مذهبی و ارتباطی می‌داند و مصداق موقعیت مذهبی را به وجود

اینکه ادعا شده قم در دوره اسلامی جزو ایالت جبال بوده، اگر منظور قرون اولیه اسلامی است که در این موقع قم جزو اصفهان بوده است. (مسالك و ممالک، ص ۲۵) نکته دیگر اینکه قم آنقدر مهیای تغییر عقیده قبلی و اعراض از آیین زرتشتی بوده که نه تنها در اواخر قرن اول هجری به عنوان شهری اسلامی شناخته می شده، بلکه در این موقع یکی از مهمترین کانونهای تشیع محسوب می شده و در عهد عباسیان عصیان قمیها در مقابل عوامل این سلسله مشهور و معروف است. چنانکه وقتی هلی بن هشام مروزی به این شهر وارد شد، اهالی قم سر به مخالفت برداشته و از دادن خراج امتناع کردند. (فتوح البلدان، ص ۴۴۲).

درباره وجه تسمیه و سابقه سکونت در قم چنین می خوانیم: «بر اساس مطالعاتی که تاکنون انجام گرفته، سابقه سکونت در استان قم به سالهای پیش از اسلام باز می گردد. مهمترین عامل سکونت به دلیل وجود رودخانه اناربار (قمرود) بوده که باعث سکونت صحرانشینان در این منطقه شده است. این صحرانشینان خانه هایی بنا کردند که آن را کومه یا کم می نامیدند و عربی کلمه «کم» قم می باشد. از طرف دیگر بنای شهر قم را به بهرام گور نسبت می دهند. این پادشاه در سفر خود به «ارمنیه» قم و روستاهای آن را بنا کرد. بعضی نیز بنای این شهر را به طهمورث پادشاه پیشداری نسبت می دهند.» (ص ۱۸).

اولاً در این وجه تسمیه خلط مطالب بوضوح آشکار است و سابقه سکونت در این شهر کاملاً مشخص نشده است. دلیل آن را رودخانه اناربار نامیده و در جایی بنای آن را به صحرانشینان نسبت داده و در ادامه پادشاهان را عامل پیدایش این شهر دانسته اند. ناگفته نماند سرزمین «ارمنیه» در شمال غربی ایران است و بهرام گور پانزدهمین پادشاه سلسله ساسانی (جلوس ۴۲۱- فوت ۴۳۸م) در جنوب غربی ایران استقرار داشت و هیچ دلیل موجه و مستندی وجود ندارد که وی در مسیر رفتن ارمنستان برای تصرف این نقاط از منطقه کنونی قم گذشته باشد و قم در این مسیر نبوده است.

مشخصات طبیعی

در تمامی منابع جغرافیایی مرسوم است که در اولین قدم موقعیت هر منطقه را بر روی کره زمین مشخص سازند. این ویژگی در شناخت سیمای طبیعی شهر و آب و هوایی و نزولات جوی دخالت عمده ای دارد. ذیل عنوان «استان قم در کجای ایران قرار دارد؟» تنها به این موضوع اشاره شده که در مرکز ایران قرار دارد و مساحت و حدود آن نیز روشن شده است. این

معرفی نمی تواند در ترسیم موقعیت ناحیه ای کافی باشد؛ زیرا طول و عرض جغرافیایی و نیز ارتفاع منطقه از سطح دریای آزاد باید مشخص گردد.

در صفحه ۲۵ عنوان «جنس و زمان سنگها و رسوبات استان قم» نظر خواننده را جلب می کند. در این بحث اگرچه به صورت کلی گویی از زمان سنگها و رسوبات سخن گفته شده، ولی توضیح درستی درباره جنس سنگها نیامده است. در اولین سطر می خوانیم که «قدیمی ترین سنگهای استان به اوایل دوران سوم متعلق است». در حالی که اگرچه در دوران دوم و سوم این منطقه از نظر کوهزایی بسیار متحرک بوده و گسلها و چین خوردگی و رواندگی پدید آمده، ولی رسوبات متعددی از دورانهای قبل از آن می توان در نقاط گوناگون آن شاهد بود.

موضوع دیگری که اشاره به آن ضروری است، موضوع شناخت خاکهای قم است که کیفیت آن در فعالیتهای کشاورزی و دامی دخالت عمده ای دارد. از میان انواع این خاکها، تنها خاکهای رسوبی بافت ریز با وجود ترکیبات رُس قابلیت نفوذ خوبی دارد و برای کشت و زرع مناسب است، ولی خاکهای رسوبی بافت درشت، خاکهای شور و قلیایی، رسوبی شور، سیروزوم (خاکستری)، قهوه ای و تپه ماهور کوهستانی از نظر کشاورزی ارزش چندانی ندارند و برخی از آنها با آبیاری مناسب قابل استفاده هستند. در واقع خاکهای قم به دلیل کاهش نزولات جوی، اختلاف درجه حرارت، خشکی و خشونت هوا، فقر پوشش گیاهی، از کیفیت بالایی برخوردار نبوده و در ترسیم مناظر جغرافیای طبیعی دخالت دارند. ناگفته نماند که جغرافیای خاکها به دلیل اهمیت زیاد یکی از مقوله های لازم در بحثهای جغرافیای ناحیه ای است و در جغرافیای استانهای دیگر این پدیده بررسی شده است. چرا که خاکها از یک سو بیانگر شرایط آب و هوایی یک منطقه بوده و از سوی دیگر در توسعه ناحیه ای می توانند نقش داشته باشند.

در صفحه ۳ سیمای استان قم را به لحاظ ناهمواری به گونه ای تقسیم کرده که خواننده از آن تصور منطقه ای کوهستانی را در ذهن خود ترسیم می کند. در حالی که واقعیت منطقه به شکلی نیست که دارای این مناطق یعنی نواحی کوهستانی، پایکوهی و دشتها به شکل طرح شده باشد. اینکه در بخش

ذیل دما در صفحه ۹ کمترین دمای سالانه و بیشترین آن در ایستگاه قم و عباس آباد گزارش شده در حالی که در این بحث باید از «دمای مطلق»، «متوسط حداکثر دما»، «متوسط حداقل دما»، «حداکثر مطلق» و «حداقل مطلق» سخن گفته می شد تا ارزش جغرافیایی آن معلوم گردد.

در صفحه ۱۲ ذیل پوشش گیاهی استان، می خوانیم: «در قسمت اعظم استان یعنی در نواحی مرکزی و شمالی که به صورت دشت و کوهپایه هستند به دلیل داشتن شیب کم، خاک نسبتاً خوب، منابع آب کافی، چشمه، قنات و رود، کشت آبی اهمیت فراوان دارد...».

این در حالی است که در صفحه ۳۳ ذیل ویژگیهای اقتصادی آمده است: «کشاورزی نسبت به بخشهای دیگر اهمیت چندانی ندارد و سهم ناچیزی از شاغلین در بخش کشاورزی فعالیت می کنند... علت این امر در نامساعد بودن منطقه برای کشاورزی و گسترش شهرنشینی در استان می باشد...».

در صفحه ۳۷ و ۳۸ نیز چنین می خوانیم: «ویژگیهای خاک و اقلیم و منابع آب منطقه، سبب محدود بودن فعالیت کشاورزی شده است» که این مطالب ناقص مطالب مندرج در صفحه ۱۲ است.

موضوع دیگر قابل توجه در این مقوله زندگی جانوری و حیات وحش در استان قم است که در کتاب مورد نقد هیچ اشاره ای بدان نشده و نوع جانوران هر منطقه بر حسب شرایط آب و هوایی، با پوشش گیاهی در ارتباطی تنگاتنگ هستند.

مسائل فرهنگی-اجتماعی

جمعیت استان قم از مباحثی است که از صفحه ۱۹ کتاب بدان پرداخته شده است. در این صفحه تراکم متوسط در استان قم ۶۱ نفر در هر کیلومتر مربع گزارش شده و در ادامه می خوانیم: «بطور کلی تراکم در سطح استان بسیار کم می باشد که علت اساسی آن کمبود آب و خاک حاصلخیز می باشد.» همچنین در سطور بعدی یکی از مشخصات جمعیتی استان را کم تراکم بودن آن معرفی کرده است.

واقعیت این است که استان قم بعد از استان تهران یکی از پر تراکم ترین استانهای کشور است و حتی تراکم آن از استانهای پر جمعیتی چون آذربایجان شرقی افزونتر است و معمولاً استانهای خراسان، بوشهر و ایلام، تراکم بین ۱۲ تا ۱۵ نفر از نقاط کم تراکم (نسبت به وسعت) به شمار می روند.

جالب اینکه علت کم تراکم بودن استان قم را کمبود آب و خاک دانسته اند، ولی در بخش اول کتاب می خوانیم: «پهنه های

کوچکی از استان و تنها در نواحی برخی روستاها و آبادیهای کوچک ناظر ارتفاعاتی منفرد و یا احياناً تپه هایی باشیم، نمی تواند در تقسیم بندی کلی ناهمواریهای منطقه نقش تعیین کننده داشته باشد.

در صفحه ۴، اطلاعات ناقصی از دریاچه نمک (مسيله) آمده است که در ترسیم هویت این عارضه جغرافیایی کافی نیست. اینکه ادعا شده به صورت سه ضلعی در بین ارتفاعات محصور شده، واقعیت ندارد و تنها رشته کوههای البرز در شمال آن قرار دارند. همچنین گفته شده در تابستان خشک می شود، ولی این گونه نیست و در فصل تابستان به دلیل واردات کم و تبخیر زیاد، قطعات نمک بر روی سطح آن شناور می گردد و خود دریاچه به قطعات کوچکتری تقسیم می شود. در ضمن رودهای شور، کرج، جاجرود، حيله رود، در نزدیکی آن به حالت قرینه وارد این دریاچه می شوند.

در صفحه ۶ می خوانیم: «کل استان بدلیل دوری از دریا از رطوبت هوای کمی برخوردار است». لفظ رطوبت هوا در جغرافیا مفهوم می ندارد و عامیانه است و آنچه ارزش علمی پیدا می کند، میزان «رطوبت نسبی» موجود در جو است که در پاره ای مآخذ از آن به عنوان نم نسبی (Relative humidity) سخن گفته اند. در حقیقت نم نسبی از تقسیم میزان رطوبت مطلق موجود در هر حجمی از هوا با دمای معینی به حداکثر رطوبت مطلق، که همان حجم از هوا در همان دما می تواند داشته باشد، به دست می آید. به عبارت دیگر نسبت جرم بخار آب موجود در هر حجمی از هوا به جرم بخار آب موجود در همان حجم هوا را در حالت اشباع «نم نسبی» گویند و برای بیان آن از درصد استفاده می کنند و اگر میزان آن تعیین نشود نمی توان به وضع اقلیمی و آب و هوایی منطقه ای پی برد. همچنین تقویم فصول و حتی اوقات شبانه روز این میزان را تغییر می دهد. رطوبت نسبی برای قم، که منطقه ای خشک است، کم می باشد؛ زیرا به دلیل افزایش حرارت موجود در هوا از میزان آن کاسته می شود؛ اما باید این نکته را در نظر داشت که میزان رطوبت نسبی مناطقی چون قم در زمستان بیش از تابستان است و صبح زود (حدود ساعت ۶) از دیگر اوقات روز بالاتر است.

هموار به صورت دشتهای متعدد کوچک و بزرگ دیده می شود، برخی از آنها به دلیل داشتن شیب کم منابع آب بعضاً مناسب و خاک نسبتاً حاصلخیز محل فعالیتهای زراعی و یا پیدایش شهر و روستاهای متعدد می باشند.

نکته ای مشابه این مطالب در سطور صفحه ۳ دیده می شود که ناقض مطالب مورد اشاره در خصوص دلیل کمی تراکم سکنة استان قم است.

در صفحه ۲۰ تنها در یک سطر به میزان سواد مردم قم اشاره گردیده است. بعد از آن به ترکیب سنی جمعیت، آن هم در یک سطر، پرداخته شده و مجدداً مطالبی در خصوص آموزش بصورت کلی گویی و با پرهیز از ارائه آمار آمده است.

ناگفته نماند بعد از پرداختن به تراکم جمعیت باید ترکیب نسبی جمعیت و درصد هر یک از گروههای سه گانه سنی (جمعیت کمتر از ۱۵ سال، افراد بین ۱۵ تا ۶۴ ساله و گروه سنی از ۶۵ سال به بالا) مشخص می شد. همچنین ترکیب سنی جمعیت باید در بین مناطق روستایی و شهری مقایسه می گردید و نیز توزیع جنسی (مرد یا زن بودن) افراد نیز باید در این سه طبقه سنی معین می شد.

در بخش سوم، ذیل «ویژگیهای اقتصادی»، چنین آمده است: «از نظر فعالیت اقتصادی در بخشهای سه گانه (صنعت، کشاورزی، خدمات) استان قم ویژگی خاصی را داراست.» با وجود این در همین بخش، چهار موضوع صنعت، معدن، کشاورزی، دامداری (دامپروری) مورد بررسی قرار گرفته اند.

در صفحه ۳۳ می خوانیم: «این بخش [کشاورزی] فقط برای ۶ درصد از کل شاغلین استان، اشتغال ایجاد نموده است.» و در ادامه دلیل ناچیز بودن این درصد در نامساعد بودن منطقه و گسترش شهرنشینی جستجو شده است. اما واقعیت این است که افزایش بی رویه مهاجرینی که به مشاغل خدماتی و بازرگانی و شغلهای کاذب روی آورده اند در پایین آمدن این درصد دخالت عمده ای داشته است.

در توضیح بخش صنعت به فعالیتهای صنعتی مدرن، کارگاههای صنعتی و مانند آن اشاره گردیده، ولی متأسفانه حتی توضیحی اجمالی و فهرست گونه از صنایع دستی استان قم ارائه شده. این در حالی است که مشاغل دستی نه تنها بیانگر تلاشهای اقتصادی است، بلکه از هنر و خلاقیت و ابتکار و کوششهای ذوقی اهالی حکایت دارد.

قالی بافی به عنوان هنر دیرینه این خطه به لحاظ جنبه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اثرات بارز و آشکاری

بر زندگی مردم گذاشته و در اشتغال زنان نقش بسیار تعیین کننده ای دارد و نوسان آن در عرصه صادرات بخوبی بر تواناییهای مالی مردم اثر می گذارد.

این شغل با شرایط زندگی زنان که تمایل دارند در خانه بمانند تناسب دارد و یکی از دلایل مهم و رونق آن همین پدیده است. همچنین زنان با روی آوردن به این شغل اعتباری اجتماعی یافته و روحیه اعتماد به نفس و آرامش خاطر آنان را این هنر زیبا افزون می سازد. در کنار بافت قالی از فعالیتهای جنبی آن چون نقشه کشی، رنگ رزی، ابریشم تابی، استادکاری، تجارت قالی و ... نباید غافل بود.

فعالتهای دیگر صنعتی قم که جنبه دستی دارد، هنر سرامیک و کاشی سازی، خصوصاً تهیه و تولید کاشیهای اماکن متبرکه و زیارتی، است. آجرپزی، سوهان پزی و ... از این گونه صنایع دستی به شمار می روند. و شگفت که در جغرافیای استان قم نامی از آنها نیست.

در گوشه راست نمودار صفحه ۳۴ این جمله به چشم می خورد: «محصولات چوبی و ... در استان قم وجود ندارد» که چنین موضوعی صحت ندارد و محصولات چوبی در قم همچنان پررونق و در حال گسترش است و در خصوص کارهای هنری بر روی چوب، یعنی درودگری، هنرمندان قم از قدیم اشتهار داشته اند. منبت کاری بر روی ضریحها، صندوقها، منبرها، درهای مشاهد مشرفه توسط هنرمندان قم انجام می شود. کارآلات سازی و گره چینی روی تخت و پوششهای طاقها نیز از هنرهای ویژه استادان قم است. در وضع کنونی یکی از مهمترین ارقام صادراتی قم به استانهای خراسان، اصفهان، تهران و خوزستان محصولات چوبی و درودگری می باشد.

در صفحه ۳۶ به تعداد معادن و نام مراکز معدنی قم اشاره شده است، ولی به موقعیت جغرافیایی و محل استخراج و کارکنان این بخش پرداخته نشده و این موضوع از نظر جغرافیای اقتصادی اهمیت بسزایی دارد.

ذیل دامپروری در صفحه ۳۸، چنین آمده است: «پرورش دام در استان قم به دو صورت سنتی و صنعتی انجام می گیرد. دامپروری سنتی خود به دو صورت شبانی (رمة گردانی عشایر کوچنده) و خانگی است. این عشایر به پرورش گوسفند

نقشه‌ها، تصاویر و نمودارها

کتاب جغرافیای استان قم برای توضیح مطالب و روشن شدن موضوعات مطرح شده در متن کتاب از حدود چهار تصویر، نقشه و نمودار استفاده کرده که برخلاف آنکه قم منطقه‌ای زیارتی و مذهبی و فرهنگی است از این مجموعه تنها دو تصویر به مسائل فرهنگی و مذهبی اختصاص یافته‌اند.

در پانویس نقشه زمین‌شناسی استان قم، جلو اصطلاح ترشیاری داخل پرانتز عبارت اوایل دوران سوم قید شده، ولی جلو کواترنری این توضیح مشاهده نمی‌شود.

در خصوص معرفی سیمای نقاط کوهستانی و ناهمواریهای استان قم شش نقشه و تصویر دیده می‌شود؛ در حالی که تنها وسعت ناچیزی از این استان به نقاط ناهموار و ارتفاعات اختصاص دارد؛ اما در مورد نقاط هموار و شرایط کویری و بیابانی حتی یک تصویر هم نمی‌بینیم!

چندین نقشه در کتاب از استان قم ترسیم شده که مقیاس آنها با هم برابرند ($\frac{1}{770,000}$) اما با دقت در آنها مشاهده می‌شود که با یکدیگر تفاوت دارند و اگر بر یکدیگر منطبق شوند لبه‌های مساوی نخواهند داشت. در صفحات آخر قرینه نبودن نقشه‌های با مقیاس یکسان مشهودتر است (به نقشه‌های صفحه ۳۲ و ۳۶ بنگرید). در پایین صفحه ۱۴ تصویری دیده می‌شود که ذیل آن نوشته شده است: طرح جنات (۱) نهالکاری حرم تا حرم. اما مشخص نیست منظور مسیر قم و تهران، یعنی از حرم حضرت فاطمه معصومه (س) تا حرم حضرت امام خمینی (قدس سره) است یا از حرم فاطمه معصومه (س) تا جمکران یا نقطه زیارتی دیگر.

در صفحه ۱۹ نقشه‌ای دیده می‌شود که موقعیت قم را در ایالت جبال نشان داده و مأخذ آن کتاب لسترنج معرفی شده است. اولاً نام کتاب مزبور ناقص نوشته شده و مترجم آن مشخص نیست. در پانویس آن نوشته‌اند «سرزمینهای خلافت شرقی، گی. لسترنج»، که درست آن «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی» نوشته لسترنج و با ترجمه محمود عرفان می‌باشد. ثانیاً نقشه مندرج در کتاب با نقشه‌ای که در مأخذ آمده بسیار تفاوت دارد و بسیاری از عناوین آن حذف و در خطوط آن تغییراتی به وجود آمده است.

می‌پردازند. ایلاتی مانند ایل زند، ایل کلکو، و ایل شاهسون در منطقه قم زندگی می‌کنند.

آنچه در موضوع مزبور از آن غفلت نموده‌اند و در فعالیتهای دامی استان قم، چه در گذشته و چه در وضع کنونی، نقش موثری بر اقتصاد این منطقه داشته شترداری است. این فعالیت از یک سو با شرایط جغرافیایی و مشخصات آب و هوایی قم انطباق دارد و از سوی دیگر در زندگی اجتماعی و اقتصادی منطقه دخالت دارد.

در ضمن عشایر دیگری نیز در زمانهای گذشته به قم آمده و یا آورده شده‌اند که عبارتند از: عشایر بیگلرلو، طایفه سعدوند، عبدالملکی، گائینی، لشنی، کرزه‌بر، کلهر، لک، عرب میش مست و ...

در صفحه ۳۹ کتاب این جمله به چشم می‌خورد: «استان قم به دلیل نزدیکی به تهران، واقع بودن در مرکز ایران و نزدیک بودن به راههای ارتباطی دارای اهمیت بسیاری است». چنانکه ملاحظه شود در برشمردن این دلایل به موضوع مهم دیگر یعنی جنبه مذهبی، زیارتی و تمرکز مراکز علوم دینی توجه نشده است.

به رغم آنکه در صدر مطالب بخش سوم و تحت عنوان ویژگیهای اقتصادی استان قم از بخشهای سه گانه اقتصادی (خدمات، کشاورزی و صنعت) سخن گفته شده و دو بخش صنعت و کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بخش خدمات مطرح نگردیده و تنها در نمودار توزیع نسبی جمعیت قم که در صفحه ۳۳ به صورت دایره‌ای نمایش داده شده، درصد شاغلین این بخش مشخص شده است. البته در شهری چون قم خدمات ارزش مهمی دارد؛ زیرا بخش مهمی از آن مربوط به مسائل مذهبی و فرهنگی است. فراهم آوردن تسهیلات رفاهی برای زائرین، سرویسهای خدماتی در مراکز آموزشی، فرهنگی و پژوهشی، فعالیتهای خدماتی مربوط به حمل و نقل و مانند آن در این موضوع قابل بررسی هستند. امور بازرگانی، ارتباطات، مخابرات، خدمات مربوط به اماکن موقوفه امور بیمه و مالی نیز در این مقوله قرار می‌گیرند.